

سال دوم

جلسه ۶۸

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۳ / ۱۲ / ۹۰ چهارشنبه

سؤال اول :

آیا اعتبارات عقلایی، همیشه ناشی از «اعتبارات ادبی» است؟

سؤال اول : آیا اعتبارات عقلایی، همیشه ناشی از «اعتبارات ادبی» است؟

توضیح

یعنی آیا در همه اعتبارات عقلایی، نوعی «تشبیه» (یا امثال تشبیه) نهفته است؟

- معنای حقیقی ملکیت = «احاطه انسان بر مملوکات تکوینی خودش» = مقوله ملک یا جده
- مجازاً و به کمک تشبیه = احاطه ای که انسان بر وسائل خودش داشته، «ملکیت» نامیده شده است
- بعد از استعمال مجازی = سبب شد که انسان «ملکیت» را در وعاء اعتبار عقلایی وضع و جعل کند

«نیابت» که یک اعتبار عقلایی است، تشبیه وجود ندارد بلکه ادعای عینیت است

ابتداء = ادعا می کند که نایب همان «منوب عنه» است مجازاً

ولی بعداً، = یک اعتبار عقلانی حاصل می شود

سؤال اول : آیا اعتبارات عقلایی، همیشه ناشی از «اعتبارات ادبی» است؟

نظرات

مرحوم اصفهانی :

ماهیت ملکیت شرعی، عبارت است از «مقوله جده» که در وعاء اعتبار فرض شده است

مرحوم امام :

ملکیت، شبیه به مقوله جده هست ولی از آن گرفته نشده است

بسیاری از اعتباریات عقلایی، اصلاً ریشه در اعتباریات ادبی ندارند بلکه شباهت به امری واقعی هم ندارند = «عقد بیمه» یا حتی «عقد الاجاره» و یا «حقوق عقلایی»

اللهم الا ان يقال :

- در همین موارد هم ریشه اعتبارات عقلایی، در اعتبارات ادبی است
 - تشبیه رابطه حقیقی انسان با «اعضاء و جوارح» = مالکیت حاصل شده است
 - بعد این مالکیت هم نسبت به «عین» (بیع) و هم نسبت به «منافع» (اجاره) تصویر می شود
 - همچنین چنانکه انسان اولی به اعضاء و جوارح خویش است، نسبت به برخی از امور هم اولی است.
- = «حق» پدید می آید.

عقد، ریشه در یک «استعاره» دارد

منشأ این استعاره :

۱. از «طناب» حاصل شده است = همانند طناب، عقد به اعتبار عقلایی، ربط را ایجاد می کند.

پس : عقد به نحو استعاره در اضافه اعتباریه استعمال شده.

۲. از کلمه «عقد العسل = غلیظ شده عسل» استعاره شده باشد = یعنی رابطه، محکم شد

۳. از «عقد» باشد به معنای «قلاده» = بیع همانند «قلاده» بر گردن متعاقدین است است

اولین احتمال، بهترین است و مؤیداتی بر این امر وجود دارد

چنانکه امام می فرمایند :

در «عهد» و «نذر» نمی توان هیچ گونه شباهتی بین این اعتبارات عقلایی با واقعیات تکوینی یافت
و لذا : نمی توان گفت ریشه اعتبارات عقلایی در این دو، اعتبارات ادبی است

سؤال دوم:

آیا اعتبارات عقلایی، باید دارای «اثر» باشند؟

سؤال دوم : آیا اعتبار عقلایی باید دارای «اثر» باشد؟

جواب

عموم کسانی که متعرض این بحث شده اند:
«اعتبارات عقلایی» را مشروط به وجود اثر دانسته اند

مرحوم طباطبائی :

- چون اعتبار، استعاره ای است که با هدف ترتب آثار شیء حقیقی بر امر استعاره ای حاصل می شود:
اعتبار جایی پدید می آید که آثار بار شود.
- این آثار باید با آثار شیء حقیقی مناسب باشد

حضرت امام :

اعتبارات عقلاء برای احتیاجات آن هاست و آنچه از آن فائده ای حاصل نمی شود، اعتبار نمی شود.
لذا : اعتبار ازدواج بین دو درخت، پدید نمی آید تا بگوییم «فاسد» است = اصلاً مسخره است.
همچنین مبادله بین یک مقدار آب دریا با مقداری دیگر از آن، بیع نیست = این مبادله اعتبار نمی شود.

سؤال دوم : آیا اعتبار عقلایی باید دارای «اثر» باشد؟

اساس اعتبار بر «نیاز» است و کار بدون غرض انجام نمی گیرد، چراکه محتاج علت غایی است.

شهید خمینی

گاه علت غایی، امری عقلایی نیست = اعتبارات «وهمی»

گاه علت غایی، امری عقلایی است :

- گاه غرض، تأثیر گذاری «احساسی» است = اعتبارات «ادبی»

- گاه غرض، رسیدن به آثاری است که با پذیرش جامعه عقلاء، حاصل می شود = اعتبار «عقلایی»

پیدایش اعتبار عقلایی، ابتدا توسط یک معتبر است (اعتبار عقلایی انشائی)

و بعد توسط جامعه عقلاء پذیرفته می شود (اعتبار عقلایی حقیقی)

حال : اگر در جایی می دانیم علت غایی مترتب نمی شود، طبیعی است که کسی اعتبار نمی کند